

بررسی گرایش دانشجویان به فساد اداری و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه دانشجویان دانشگاه شهیدباهنر کرمان)

هادی حسن دوست فرخانی،* لیلی یزدان پناه**

چکیده

در این پژوهش کوشیده‌ایم با رویکرد بازدارندگی از جرم، نگرش دانشجویان را به مسئله اجتماعی فساد اداری بررسی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر این پدیده اجتماعی را شناسایی و تبیین کنیم. برای تبیین فساد اداری که شکلی از انحراف اجتماعی (جرائم یقه‌سفیدان) است از نظریه‌های اجماعی تبیین‌کننده انحرافات اجتماعی همچون آنومی دورکیم، فشار ساختاری مرتون، نظریه کنش اجتماعی و آنومی، نظریه ناکامی منزلتی آلبرت کوهن، نظریه محرومیت نسبی، نظریه کنترل تراوس هیرشی و گات فردسان و نهایتاً نظریه انتخاب عقلانی استفاده کرده‌ایم. روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایشی بوده است و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها به طریق پرسش‌نامه‌ای است. برای تحلیل داده‌ها نیز از تحلیل واریانس و رگرسیون چندمتغیره متناسب با فرضیه‌های تحقیق استفاده شده است. نتایج این تحقیق از نمونه‌ای ۴۰۶ نفری به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای نظام‌مند و از طریق فرمول کوکران در جامعه آماری ۱۵۲۱۵ نفری دانشجویان دانشگاه شهیدباهنر کرمان در سال تحصیلی ۹۰-۹۱، نشان می‌دهد متغیرهای تعلق اجتماعی، انسجام اجتماعی، پایبندی به ارزش‌های دینی، تعهد اجتماعی، فقدان تناسب بین هدف و وسیله، ناکامی منزلتی و نهایتاً خودپنداره بیشترین رابطه را با نگرش به فساد اداری دارند. تحلیل چندمتغیره نیز نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل، متغیر فقدان تناسب بین اهداف و وسائل، تعلق اجتماعی، تعهد اجتماعی، ناکامی منزلتی و انسجام اجتماعی پاسخگویان بیشترین پیش‌بینی را در باب متغیر وابسته داشته است.

کلیدواژه‌ها: نگرش، فساد اداری، انحرافات اجتماعی.

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، مدرس مدعو دانشگاه پیام‌نور بجنورد، کارشناس فرهنگی اداره کل کتابخانه‌های عمومی

hadi_hasandoust@yahoo.com

** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهیدباهنر کرمان lyazdanpanah@uk.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۱۰

دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۳، صص ۳۳-۵۴

مقدمه

از ابتدای شکل‌گیری نخستین گروه‌های انسانی تا به امروز که شاهد شکل‌گیری انواع نظام‌های مدرن اجتماعی هستیم، مسئله شکل‌دهی و استمرار نظم و انضباط اجتماعی از مهم‌ترین دغدغه‌های مسئولان اجرایی این نظام‌ها بوده است و با پیچیده‌شدن نظام‌های اجتماعی شکل انحرافات و کج‌رفتاری‌های اجتماعی نیز دگرگون شده و هم‌گام با تغییرات محیط بیرونی شاهد به‌وجود آمدن انواع کج‌رفتاری‌های مدنی نیز هستیم. امروزه نیز با شکل‌گیری انواع سازمان‌ها و اداره‌ها جهت ارضای نیاز افراد شاهد نابه‌هنجاری‌های سازمانی و اصطلاحاً فساد اداری به‌مثابه شکل جدیدی از انحرافات اجتماعی در قالب جرم‌های یقه‌سفیدها هستیم. مسئله فساد اداری به دلیل نقش مهمی که در سلامت سازمانی، اجتماعی و بهره‌وری مطلوب از نیروی انسانی دارد، از جمله مهم‌ترین موانع در زمینه نیل به توسعه و سعادت اقتصادی است (باردهان، ۱۹۹۷؛ رز آکرمن، ۱۹۹۹).

بانک جهانی هزینه‌های فساد اداری را چیزی حدود ۳۰/۱ درصد از تولید ناخالص جهانی تخمین زده است و در سال ۲۰۰۲ هزینه‌های جهانی ناشی از فساد اداری در حدود یک تریلیون دلار از تولید ناخالص جهانی یعنی حدوداً ۳۰ تریلیون دلار بوده است (گئل و کورنون، ۲۰۰۹). تاکنون در زمینه بررسی و ریشه‌شکافی موضوع فساد اداری بررسی‌های متعددی صورت گرفته است، ولی بیشتر تحقیقات کانون توجه خود را بر جنبه اقتصادی، سیاسی، حقوقی و گاه فرهنگی موضوع قرار داده‌اند و اکثر متغیرهای حاصل که به نوعی بر پدیده فساد اداری تأثیرگذار بوده‌اند صبغه محدود به فضای سازمانی و اداری داشته‌اند و کمتر به جو و بستر اجتماعی به‌وجود آورنده فساد اداری توجه شده است. برای مثال می‌توان وجه مشترک متغیرهای تأثیرگذار بر فساد اداری از این دیدگاه‌ها را به شرح ذیل توصیف کرد: (۱) مشکلات مالی و دستمزد اندک و ناکافی (۲) ضعف در آموزش و آگاه‌سازی (۳) ضعف تقیدات مذهبی (۴) فقدان شایسته‌سالاری (۵) ضعف قوانین و مقررات سازمانی (۶) شدت تعهدات و علایق خانوادگی و خویشاوندی (۷) سابقه وجود فساد (۸) ضعف کنترل‌های سازمانی (۹) وجود مشکلات ساختاری در بدنه سازمان‌های بوروکراتیک (۱۰) مالکیت دولت و دولتی‌بودن اکثر سازمان‌های اداری (۱۱) افزایش کاغذبازی و پیچیده‌شدن روند اداری (فرج‌پور، ۱۳۸۳؛ ربیعی، ۱۳۸۳؛ عباس‌زادگان، ۱۳۸۳). ولی نکته درخور تأمل در بررسی‌های صورت‌گرفته لزوم عنایت به این موضوع است که تحقیقات توجه کمتری به جنبه‌های اجتماعی تأثیرگذار بر فساد اداری داشته‌اند و از جو و بستر اجتماعی که بر کنشگران تأثیر گذاشته و آنها را به انجام اعمال هنجارشکن سوق داده است غفلت کرده‌اند. از سوی دیگر نیز در بررسی‌های به‌عمل آمده در داخل کشور بیشتر "کنش" فسادآمیز تحت

تحقیق قرار گرفته و مطالعه‌ای نظام‌مند پیرامون "نگرش‌های فسادآمیز" صورت نگرفته است. بدین شرح که "نگرش" مقدمه رفتار و کنش افراد است و رفتار انسان‌ها بر مبنای چگونگی نگرش آنها به موضوع شکل می‌گیرد و تغییر می‌کند. متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، شخصیتی و ژنتیکی باعث شکل‌گیری نگرش می‌شود و با مطالعه نگرش و سنجش آن تا حد زیادی می‌توان از کیفیت رفتار افراد در آینده باخبر شد و براساس آن برنامه‌ریزی و پیش‌بینی‌های لازم را انجام داد. بنابراین ضرورت دارد این دسته از انحراف‌های جدید مدنی بیشتر از دیدگاه عوامل اجتماعی و نگرشی در جوامعی بررسی شود که بیشترین نزدیکی و تناسب را به جامعه کارمندان سازمان داشته باشند؛ زیرا کارمندان سازمان در این زمینه به علت احساس خطر از پاسخ‌دادن به سؤالاتی که نگرش آنها را به فساد اداری می‌سنجد، از بیان نگرش اصلی خویش ابا دارند و پاسخ‌های آنها سوگیری ارزشی خواهد داشت. از این رو، ضروری می‌نماید پژوهش حاضر در جامعه هدفی تحقق یابد که در درجه اول بیشترین نزدیکی را به جامعه کارمندان سازمانی داشته باشد و ثانیاً کنشگران جامعه هدف مزبور هیچ ترسی از ابراز نگرش حقیقی خویش نداشته باشند. بنابراین، در این مقاله سعی می‌شود مسئله فساد اداری به مثابه یکی از مصادیق نو انحرافات اجتماعی از منظر و دیدگاه نگرشی و در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی در جامعه هدف دانشجویان بررسی شود که قابلیت کسب مشاغل اداری و سازمانی را دارند. رویکرد ما بازدارندگی از جرم قبل از ارتکاب آن بوده است.

طرح مسئله و تعریف موضوع

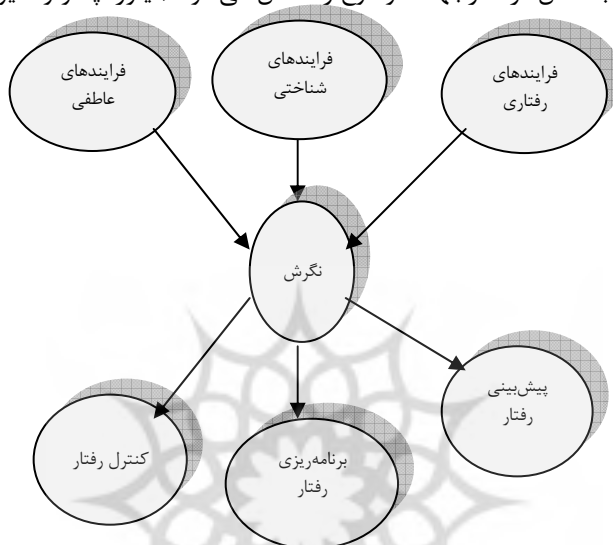
امروزه با بررسی وضعیت کشورهای مختلف می‌توان پی‌برد که موضوع آسیب‌شناسی و انحراف‌های اجتماعی به‌طور عام و مبحث فساد در حوزه سازمانی و اداری به شکل خاص از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های گردانندگان جوامع مدرن انسانی است. فساد اداری، که یکی از شکل‌های انحراف اجتماعی است، و از لحاظ تقسیم‌بندی انحراف‌ها ذیل انحراف‌های سازمانی یقه‌سفیدان قرار می‌گیرد (ساترلند، ۱۹۴۹)، در مجموع به رفتاری اطلاق می‌شود که در آن فرد برای تحقق منافع خصوصی خود و دست‌یابی به رفاه بیشتر یا موقعیت بهتر، خارج از چارچوب رسمی وظایف نقش دولتی عمل می‌کند (سکوئیت، ۱۹۷۲: ۲۱). فساد اداری مانع جدی در زمینه سرمایه‌گذاری است و از طریق هدایت نادرست استعدادها و منابع بالقوه زمینه رکود استعدادها و جهت‌گیری حرکت منابع بالقوه و بالفعل انسانی را به سمت فعالیت‌های نادرست و دست‌یابی به درآمدهای سهل‌الوصول فراهم می‌سازد (عباس‌زادگان، ۱۳۸۳: ۱۴). مسئله فساد اداری به دلیل نقش مهمی که در سلامت سازمانی، اجتماعی و بهره‌وری مطلوب از نیروی انسانی دارد، از جمله مهم‌ترین موانع نیل به سعادت اقتصادی

است (باردهان، ۱۹۹۷؛ رز آکرمن، کسنکو و کاپور، ۲۰۰۰؛ مورنو، ۲۰۰۲). تاکنون این انحراف اجتماعی ازمنظر و دیدگاه‌های مختلفی تحت بررسی قرار گرفته است که در این میان اکثر تحقیقات و بررسی‌ها پیرامون این موضوع ازمنظر اقتصادی، سیاسی و قانونی بوده است. بسیاری از اندیشمندان اقتصادی و سیاسی راهکار اصلی برای برون‌رفت از این معضل اجتماعی را توسعه‌یافتگی اقتصادی و سیاسی، شکل‌گیری و تقویت نهادهای مدنی، پاسخگویی و اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد دانسته‌اند و البته در مواردی نیز ارتکاب به فساد را اجتناب‌ناپذیر دانسته‌اند (ماتسوموتو، ۲۰۰۵) و کمتر ازمنظر اجتماعی و جامعه‌شناختی به این آسیب اجتماعی توجه کرده‌اند. اهمیت پرداختن به این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که به جایگاه ایران در زمینه فساد اداری براساس شاخص‌های بین‌المللی ازجمله سازمان بین‌المللی شفافیت توجه شود. اگرچه گزارش‌های سالانه سازمان بین‌المللی شفافیت (۲۰۰۹) از شاخص ادراک فساد^۱ نشانده آن است که هیچ کشوری در دنیا از فساد اداری عاری نیست، تفاوت معناداری بین درجه فساد در کشورهای مختلف جهان وجود دارد. روند شاخص ادراک فساد نشان می‌دهد که این شاخص در طول سال‌های گذشته در ایران سیر نزولی داشته و سازوکارهای کنترل فساد چندان جدی گرفته نشده است (رهنمود و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۷).

بنابراین، چنان‌که گفته شد، ازیک‌سو برخلاف تحقیقات خارجی پژوهشی هدفمند و منظم تاکنون در داخل کشور به بررسی معضل فساد اداری از دیدگاه "نگرشی" نپرداخته است. رویکرد نگرشی مقدم بر رویکرد رفتاری است؛ به‌طوری‌که می‌توان مبنای کنش و تعامل فرد با موضوع‌های مختلف را نگرش او به آن موضوع به حساب آورد و آگاهی از ساختار نگرشی فرد در برآورد کیفیت رفتار او در آینده مؤثر خواهد بود. ازسوی دیگر، ازآنجاکه رفتارهای هنجارشکن در درون و متن اجتماع اتفاق می‌افتند، توجه به موقعیت‌های کلان اجتماعی و عوامل مؤثر اجتماعی که موجب هنجارگریزی فردی می‌شود ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، در اینجا ضرورت این امر مشخص می‌شود که باید ساختار نگرشی افراد درباب فساد اداری بررسی شود و ارتباط این شبکه نگرشی با پارامترهای تضمین‌کننده سلامت اجتماعی نیز تحت بررسی قرار گیرد. نکته اساسی دیگری که دراین‌زمینه درخور تأمل است و در مقدمه نیز بدان اشاره شد، آگاهی از این نکته است که بیشتر بررسی‌ها حول موضوع فساد اداری در جامعه آماری سازمان‌ها و کارمندان سازمان‌ها بوده است. به دلیل حساسیت بالای مسئله برای کارمندان، این قشر از جامعه هدف در ارائه نیت‌های اصلی خود و دلایل آن نیز محتاطانه عمل می‌کنند و از ارائه

^۱ CPI

پاسخ‌هایی که مسئولیت آنها را به خطر بیندازد خودداری می‌کنند و اطلاعات نه‌چندان صحیح تحویل محقق می‌دهند. بیشتر بررسی‌های صورت گرفته حول موضوع، تاکنون به نقد و بررسی "کنش"^۱ فسادآمیز در حوزه اداری پرداخته‌اند و تحقیق نظام‌مند و دقیقی تاکنون حول محور "نگرش"^۲ به رفتار فسادآمیز در بخش سازمانی و اداری به‌منزله قدم اول برای انجام رفتار منحرف صورت نگرفته است. نگرش، که به‌طور ضمنی دلالت بر نوعی آمادگی روانی عصبی برای فعالیت ذهنی و جسمی دارد، نظامی بادوام است که شامل عنصر شناختی، احساسی، و تمایل به عمل است. مؤلفه عاطفی شامل هیجان‌ها و عاطفه فرد درباب موضوع خصوصاً ارزیابی‌های مثبت و منفی است. مؤلفه شناختی شامل افکاری است که فرد درباره موضوعی خاص دارد؛ شامل دانش و اطلاعات و حقایق؛ و نهایتاً مؤلفه رفتاری چگونگی تمایل به عمل فرد درجهت موضوع را شامل می‌شود (تیلور، پفتو و سیرز، ۲۰۰۳).



نمودار ۱. مدل تحلیل چگونگی تأثیر نگرش بر رفتار

در این مقاله سعی بر این است تا نگرش به فساد اداری به‌منزله مقدمه ارتکاب عمل فسادآمیز در جامعه هدف دانشجویان بررسی شود که بالقوه گردانندگان سمت‌ها و پست‌های سازمانی و اداری قلمداد می‌شوند. آنها به علت عدم فعالیت بالفعل در سازمان‌ها و ادارات دولتی و فارغ از مسئولیت و تعهدبودن در ابراز دیدگاه‌های حقیقی خویش مانعی ندارند. در گام بعدی ارتباط و همبستگی این موضوع با عوامل و شاخص‌های تأثیرگذار اجتماعی آشکار می‌شود.

¹ Action

² Attitude

پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌هایی که در مقاله‌های خارجی و داخل کشور به عمل آمد، آشکار شد که تاکنون تحقیق منظم و ساختمندی پیرامون "نگرش" به فساد اداری به‌مثابه مقدمه عمل مجرمانه انجام نگرفته است و مطالعات صورت گرفته حول محور "کنش" فسادآمیز بوده‌اند و بیشتر با رویکرد اقتصادی و سیاسی به قضیه پرداخته‌اند. خلاصه مقالات در قالب جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. چکیده تحقیقات انجام شده در خارج و داخل از کشور

نام محقق و زمان پژوهش	موضوع اصلی مورد بررسی	یافته‌ها و نتایج به دست آمده
ایچرو لاوازاکی و تکیو سوزوکی (۲۰۱۲)	عوامل مؤثر بر فساد در کشورهای در حال گذار	ضعف اصلاحات ساختاری، ضعف قوانین، دموکراسی زائد
زاهدی و دیگران (۱۳۸۸)	عوامل مؤثر بر کاهش فساد اداری در شهر تهران	کیفیت زندگی کاری، فردی، درون سازمانی و فرهنگی
رهنمود و دیگران (۱۳۸۸)	عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه‌های اجرایی	قانون‌گریزی مدیران، عدم پاسخگویی و نظارت ضعیف، ضعف سیستم ارزیابی عملکرد، بوروکراسی زائد بخش دولتی، ناکارآمدی سیستم نگهداری
حقیقتیان و دیگران (۱۳۹۱)	بررسی عوامل مؤثر بر فساد اداری (سازمان‌های اداری شهر یزد)	ضعف تعهد سازمانی، عدم تمکن مالی کارکنان، عدم رضایت شغلی
عظیمی و دیگران (۱۳۸۹)	بررسی عوامل مدیریتی و سازمانی مؤثر بر فساد اداری - مالی در سازمان‌های دولتی مراکز استان‌های اصفهان و زنجان	ضعف مدیران در رهبری و هدایت، ضعف مدیران در نظارت و کنترل، ضعف مدیران در بسیج منابع و امکانات
ربیعی، هاجر آصف (۱۳۹۱)	نقش فرهنگ سازمانی در پیشگیری از بروز فساد اداری	ضعف عوامل فرهنگی (ارزش‌های سازمانی، جامعه‌پذیری و هویت‌بخشی، ارزش‌های فردی، ارزش‌های بنیادین و شیوه‌های انگیزشی)

مبانی نظری پژوهش

اصطلاح «جرم یقه سفیدها» اساساً اصطلاحی در حیطه جرم‌شناسی است که نخستین بار ادوین ساترلند در ۱۹۳۹ آن را به کار برد. او این اصطلاح را «جرم ارتكابی به دست اشخاص محترم و دارای موقعیت اجتماعی بالا با استفاده از وضعیت شغلی خود» تعریف کرد (ساترلند، ۱۹۸۳: ۷). یکی از مهم‌ترین نتایج جرم‌های یقه سفیدان به‌مثابه شکلی از انحرافات جدید اجتماعی، شکل‌گیری و افزایش فساد در زمینه مالی و بالادستی و سازمانی است که تهدیدی جدی برضد نظم و سلامت اداری و سازمانی در سطح گسترده اجتماعی قلمداد می‌شود. فساد در حوزه اداری و سازمانی در مجموع شکلی از تخلف و انحراف معرفی شده است (آلمن، ۲۰۰۸: ۱۵). موضوع فساد اداری از لحاظ نظری از رویکردهای مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی درخور نقد و بررسی است که در

ادامه به برخی از نظریه‌های تبیین‌کننده مسئله فساد اداری به‌منزله شکلی از انحراف اجتماعی اشاره می‌کنیم:

رویکرد بی‌هنجاری (آنومی):^۱ دورکیم (۱۸۵۷-۱۹۱۷) جامعه‌شناس عصر کلاسیک از جمله نخستین افرادی است که به تحلیل پدیده کج‌روی از دیدگاه جامعه‌شناختی پرداخته است. دورکیم کانون توجه خود را بر بررسی کج‌رفتاری‌های اجتماعی متمرکز می‌کند که متوجه تغییر ساخت اجتماعی از حالت انسجام مکانیکی به انسجام ارگانیکی است و بر این عقیده است که کج‌رفتاری هرچند در همه جوامع اتفاق می‌افتد شکل مدرن آن خاص جامعه مدرن با انسجام ارگانیکی است که در قالب حالت آنومی به‌مثابه بیماری مدرن ظاهر می‌شود؛ یعنی رشد سریع اقتصاد مدرن بدون رشد نیروهای تنظیم‌کننده آن صورت گرفته است. در اینجا توسعه اقتصادی برای تنظیم روابط اجتماعی در نظام کار کافی نیست، بلکه باید تنظیم‌های اخلاقی و قواعد هنجاری مناسب نیز شکل گیرد تا حقوق و وظایف افراد مشخص شود (ممتاز، ۱۳۸۵: ۵۲). هرچه وجدان جمعی در سطح اجتماعی تنزل پیدا کند، همبستگی و انسجام اجتماعی نیز کاهش می‌یابد، کنترل جامعه از بین می‌رود و جامعه دچار بی‌قانونی می‌شود و در نتیجه شکل‌گیری چنین بستری موجب می‌شود تا فرد بی‌اعتنا به نتایج عمل خویش منافع شخصی خود را دنبال کند.

رویکرد فشار ساختاری:^۲ درمقابل دیدگاه آنومی، دیدگاه جامعه‌شناسان ساختی متأخر قرار دارد که برآنند جامعه خود این نیازهای متعارض را با ایجاد ناهم‌خوانی میان اهداف و مسائل دست‌یابی به آنها به وجود می‌آورد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۴۲۹-۴۳۰). نظریه فشار ساختاری رفتارهای انحرافی را نتیجه فشارهای اجتماع می‌داند که بعضی از مردم را وادار به کج‌روی می‌کند. محققان چهار نوع رفتار انحرافی را که ممکن است در این فرایند پدید آید به این شرح توضیح می‌دهند:

نوآوری: در نوآوری فرد اهداف ارجدار جامعه را قبول دارد، ولی وسائل تحقق مقبول و مطلوب جامعه را قبول ندارد. در نتیجه به وسائل و راه‌های ناروا و ناشایسته از نظر جامعه متوسل می‌شود (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۷۱).

مراسم‌گرایی: این رفتار هنگامی رخ خواهد داد که هدف‌های پذیرفته‌شده مجال چندانی برای فعالیت پیدا نمی‌کنند، اما وسائل مشروع رسیدن به این هدف‌ها صمیمانه دنبال می‌شود (ستوده، ۱۳۸۲: ۱۲۹).

¹ Anomie

² Structural strain theory

کناره‌گیری: افرادی هستند که با پشت کردن هم به اهداف و هم به ابزار نهادی شده‌ از گروه جدا می‌شوند. نمونه این افراد ولگردها، دائم‌الخمرها، معتادان به مواد مخدر و این قبیل افراد هستند (توسلی، ۱۳۸۲: ۴۴)؛ و نهایتاً:

طغیان و سرکشی: عصیانگرها افرادی هستند که نه اهداف را می‌پذیرند و نه وسایل نیل به آن را (توسلی، ۱۳۸۲: ۴۴). بنابراین در نتیجه تعارض بین اهداف و وسایل مطلوب اجتماعی پیوند فرد با ارزش‌های اجتماعی سست می‌شود و کنشگر خود را متعهد به جمع نمی‌داند. در این حالت نگرشی که در فرد تحت تأثیر مقایسه اجتماعی شکل گرفته است، او را مجاب می‌کند تا به نوآوری دست بزند و وسائلی خارج از عرف تعیین شده برای رسیدن به هدف مطلوب اجتماعی برگزیند.

رویکرد کنش اجتماعی و آنومی^۱

بحث اصلی تالکوت پارسونز در تبیین انحراف‌های اجتماعی برمبنای پیش فرضی شکل گرفته است که درباره خرده‌نظام‌های چهارگانه، فرهنگ، اجتماع، شخصیت و اقتصاد مطرح کرده است. کارکردهای مناسب هریک از این خرده‌نظام‌ها و ارتباط و کنش متقابل بین آنها عامل بقا و پایداری نظام اجتماعی است. در مقابل عدم تعادل و بی‌سازمانی در هریک از خرده‌نظام‌ها حیات جامعه را تهدید و زمینه را برای رفتار انحرافی مساعد می‌کند. از دید پارسونز، نهادها و سازمان‌های اجتماعی عوامل اجرایی و ابزار جامعه‌پذیری الگوهای رفتاری و درونی‌ساختن آنها در افراد هستند. در صورتی که نهادها و سازمان‌های کارگزار جامعه‌پذیری نظیر خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارایی لازم را نداشته باشند، جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی می‌شود و پیامد آن شیوع رفتار انحرافی در جامعه است. به اعتقاد پارسونز، افراد با درونی کردن الگوها در فرایند جامعه‌پذیری و ایفای نقش در چهارچوب نظام فرهنگی، روی پیوستاری قرار می‌گیرند که در یک‌طرف آن رضایت و اقبال درونی و برخورداری از حمایت و پذیرش اجتماعی است و در طرف دیگر آن نابه‌سامانی و بی‌هنجاری و رفتار انحرافی است که اجبار و اضطراب را به همراه دارد.

رویکرد ناکامی منزلتی:^۲ در واقع این رویکرد اصطلاح منزلت را جانشین موفقیت در نظریه فشار ساختاری می‌کند؛ یعنی طبقات پایین در جامعه از نظر دست‌یابی به منزلت دچار ناکامی هستند. جامعه درعین اینکه آنها را به کسب منزلت تشویق می‌کند، امکان دست‌یابی به آن را در اختیار آنها قرار نمی‌دهد. طبقه محروم شیوه‌های خود را برای دست‌یابی به منزلت پیدا می‌کنند. این از طریق اشتغال به امور خلاف تحقق می‌یابد. بنابراین

^۱ Theory of social action and anomy

^۲ Status frustration

در نتیجه جامعه‌پذیری متفاوت طبقات و گروه‌های اجتماعی و از آنجا که الگوهای نظام آموزشی کمتر با ارزش‌ها و هنجارهای طبقه پایین - برعکس طبقه متوسط - منطبق است، کنشگران این طبقه برای کسب منزلتی که خود را شایسته آن می‌دانند دست به رفتارهای خارج از چارچوب می‌زنند؛ به عبارت دیگر، نگرش هنجارشکنانه‌ای که در فرد به‌خاطر ناکامی منزلتی شکل گرفته و تحت تأثیر سازوکارهای مقایسه‌ای اجتماعی و تراکم تجربه ایجاد می‌شود، فرد را به انجام اعمال هنجارشکنانه در موقعیت‌های مختلف اجتماعی تشویق خواهد کرد.

رویکرد محرومیت نسبی:^۱ به‌طور کلی، به اختلاف بین انتظارات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی اشاره می‌کند و مبتنی بر پنداشت‌ها و تصوراتی است که به‌واسطه مقایسه اجتماعی شکل می‌گیرد (چاندر، ۲۰۰۵: ۳۰۵). به عبارت دیگر، محرومیت نسبی برداشت بازیگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی آنان تعریف می‌شود. انتظارات ارزشی وضعیت زندگی و کالاهایی هستند که مردم خود را مستحق آنها می‌دانند. توانایی‌های ارزشی کالاها و شرایطی هستند که افراد فکر می‌کنند عملاً توانایی کسب و حفظ آنها را دارند (مرادی و سعیدی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶۵). با توجه به این رویکرد افراد داده‌های خود را به یک نظام سیاسی منتسب و ستاده‌های خود را از آن نظام با دیگران مقایسه می‌کنند؛ چنانچه احساس بی‌عدالتی کنند، تحت تأثیر شکل‌گیری نگرش منفی به رفتار فسادآمیز متناسب با نگرش شکل‌گرفته اقدام خواهند کرد. نابرابری اقتصادی بدون توجیه منطقی، محرومیت‌های سیاسی و اجتماعی، افزایش افراد غیرمتخصص، خویشاوندسالاری و جز آن موجب احساس این محرومیت نسبی می‌شود (ربیعی، ۱۳۸۳).

رویکرد کنترل:^۲ کنترل اجتماعی سازوکارهایی است که جامعه برای ترغیب اعضایش به سازگاری و ممانعت از ناسازگاری به کار می‌گیرد (دوئب، ۱۹۸۸: ۱۳۷). تراوس هیرشی، بنیان‌گذار این نظریه، معتقد است انحراف ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به خانواده و جامعه است. به‌طور کلی، دو شیوه کنترل اجتماعی وجود دارد: کنترل شخصی و درونی و کنترل بیرونی و اجتماعی. بازدارنده‌ها یا کنترل‌های درونی به توانایی‌های درونی برای نظارت بر خود شخص ارجاع داده می‌شود. خودانگاره، خودپنداره و خودادراکی از مؤلفه‌های توانایی‌های درونی است که زمینه را فراهم می‌سازند تا فرد خودش را مسئول بباید و در نتیجه مرتکب رفتار انحرافی نشود. نظریه‌پردازان کنترل شخصی معتقدند صرف‌نظر از عوامل اجتماعی، تصور مثبت شخص از خودش به‌مثابه نیروی کنترل درونی درمقابل

^۱ The relative deprivation approach

^۲ Control theory

فشارها و عواملی که می‌خواهند او را به سوی رفتار بزهکارانه و مجرمانه سوق دهند، همچون نیروی بازدارنده عمل می‌کند. فردی که خودپنداره مثبت دارد و به منظور تأیید خود حرکت می‌کند، معمولاً اعتماد به نفس بالایی دارد و از موفقیت زیادی در زندگی برخوردار است و کمتر برای دست‌یابی به اهدافش از راه‌های غیرقانونی استفاده می‌کند. افراد با خودپنداره منفی در دوست‌یابی و حفظ روابط زیاد موفق نیستند و به لحاظ اخلاقی بیشتر در معرض انحراف اجتماعی قرار دارند.

علاوه بر کنترل‌های درونی، بخش دیگری از فرایند کنترل اجتماعی با توجه به میزان تعلق و تقید جوانان به نهادها و سازمان‌های اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و گروه‌های همسالان تبیین می‌شود. بدین توضیح که تعلق خاطر و تقید به سازمان‌ها و نهادها می‌تواند کنشگران را در گروه‌های رسمی ادغام کند و موجب کنترل فردی و اجتماعی شود و رفتار افراد را منظم کند. تراوس هیرشی مهم‌ترین صاحب‌نظر این رویکرد علت هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آنان می‌داند. او مدعی است پیوند میان فرد و جامعه مهم‌ترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن موجب اصلی کج‌رفتاری است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶). او نتیجه می‌گیرد گروهی که اعضای آن با هم همبستگی قوی داشته باشند، بهتر قادر به اعمال کنترل بر اعضایش خواهد بود تا گروهی که بین اعضا همبستگی استواری وجود ندارد (ستوده، ۱۳۸۲: ۱۳۹). بنابراین، در این دیدگاه، در نتیجه از بین رفتن وابستگی اجتماعی، سست شدن ارزش‌ها و تعهدات اجتماعی، کمرنگ شدن اعتماد عمومی مردم به یکدیگر و نهایتاً اضمحلال اخلاق و اعتماد به سودمندی هنجارهای اجتماعی، سطح کنترل شخصی و اجتماعی به شدت پایین می‌آید و با توجه به نگرش شکل‌گرفته در این محیط بستر مناسب برای کج‌روی مهیا می‌شود.

رویکرد انتخاب عقلانی^۱ نیز یکی دیگر از رویکردهای درخور تأمل در بررسی موضوع نگرش به فساد اداری است؛ نظریه انتخاب عقلانی از اندیشه‌های نظریه مبادله تغذیه می‌کند. در این نظریه بر تعیین مسیرهای عقلانی کنش در شکل انتزاعی آن و سپس مقایسه رفتار واقعی انسان‌ها با آن کنش تأکید می‌شود. این مقایسه‌ها نشان می‌دهند که با شناخت دقیق منافی که کنشگران تعقیب می‌کنند و نیز تلفیق منابع و محدودیت‌هایی که با آن مواجه می‌شوند، می‌توان کنش آنها را پیش‌بینی یا تعیین کرد. در این نظریه فرض بر این است که انسان‌ها عقلانی هستند و کنش آنها مبتنی بر گزینش بهترین وسیله جهت رسیدن به هدف است. در جهانی که منابع کمیاب است، لازم است پیوسته وسائل

^۱ The rational choice theory

مختلف برای رسیدن به اهداف مختلف و نیز امکان انتخاب آنها تحت ارزیابی و سنجش قرار گیرد. اصطلاح انتخاب عقلانی نیز از همین بنیان ناشی می‌شود (به نقل از مقدس و اسلام، ۱۳۸۵). با توجه به این رویکرد، کاهش بالقوه پیوندهای اجتماعی باعث به‌خطرافتادن شبکه ارتباطات گرم می‌شود و در نتیجه آن منزلت افراد کاهش پیدا می‌کند؛ هزینه ارتکاب جرم نسبت به سود حاصله کاهش می‌یابد و فرد در تصمیم‌گیری منطقی دست به کج‌روی می‌زند. به عبارت دیگر، هرچقدر شبکه ارتباطی فرد با دیگران عام در متن جامعه گسترده‌تر باشد، نگرش او نیز با اصول رفتاری آنها بیشتر منطبق می‌شود و فرد طی فرایندی عقلانی اعمالی را انجام نمی‌دهد که با نگرش و انتظارات افراد مغایر باشد.

فرصت‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد بین نگرش دانشجویان به فساد اداری و انسجام اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نگرش دانشجویان به فساد اداری و تعهد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نگرش دانشجویان به فساد اداری و احساس تعلق اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نگرش دانشجویان به فساد اداری و عدم تناسب اهداف و وسائل رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نگرش دانشجویان به فساد اداری و ناکامی منزلتی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نگرش دانشجویان به فساد اداری و پایبندی به ارزش‌های دینی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نگرش دانشجویان به فساد اداری و خودپنداره رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با روش کمی و با استفاده از پیمایش به انجام رسیده است. ابتدا مصاحبه‌های اکتشافی از دانشجویان به عمل آمد و در ادامه با توجه به حجم جامعه آماری از ابزار پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده کردیم. جامعه آماری تحت مطالعه در این تحقیق دانشجویان شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ دانشگاه شهیدباهنر کرمان بوده‌اند که تعداد آنها برابر ۱۵۲۱۵ نفر است. در این تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نظام‌مند با در نظر گرفتن سهمیه گروه‌های مختلف تحصیلی در دانشگاه و با استفاده از فرمول کوکران در سطح معناداری ۹۵ درصد و خطای نمونه‌گیری ۵ درصد نمونه‌ای ۴۰۶ نفری انتخاب شدند.

اعتبار و پایایی

در ابتدا برای سنجش میزان پایایی پرسش‌نامه آن را در اختیار ۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شهیدباهنر کرمان قرار دادیم که بعد از جمع‌آوری اطلاعات آنان مشخص شد در همه متغیرها اعم از مستقل و وابسته پایایی زیادی مشاهده می‌شود (آلفای کرونباخ بیشتر از ۶۰ درصد). نمونه پایایی متغیرها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. آلفای کرونباخ برای متغیرهای تحقیق

نوع متغیر	مفهوم	مؤلفه‌ها	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
وابسته	نگرش به فساد اداری	شناختی	۱۱ گویه	۰.۷۸
		احساسی	۶ گویه	۰.۹۳
		رفتاری	۶ گویه	۰.۹۳
مستقل	انسجام اجتماعی		۹ گویه	۰.۷۵
مستقل	پابندی به ارزش‌های دینی		۶ گویه	۰.۶۰
مستقل	احساس تعلق اجتماعی		۴ گویه	۰.۷۹
مستقل	خودپنداره		۳ گویه	۰.۷۲
مستقل	عدم تناسب بین اهداف و وسیله		۳ گویه	۰.۶۱
مستقل	تعهد اجتماعی		۴ گویه	۰.۸۱
مستقل	ناکامی منزلتی		۳ گویه	۰.۷۰

برای سنجش روایی پرسش‌نامه، ابتدا پرسش‌نامه اعتبار تنظیم شد و در اختیار تعدادی از صاحب‌نظران قرار گرفت و پس از استخراج نظر ایشان پرسش‌نامه اصلاح نهایی شد. برای سنجش روایی متغیر وابسته نیز از اعتبار سازه استفاده شد. اعتبار سازه بین وسیله اندازه‌گیری و چارچوب کلی نظری ارتباط برقرار می‌کند، جهت تعیین این نکته که تا چه حد وسیله اندازه‌گیری مفاهیم و پیش‌فرض‌های نظریه به‌کارگرفته‌شده را منعکس می‌کند. براساس اطلاعات جدول ۳ ملاحظه می‌شود که ضریب کلامی^۱ برای سؤال‌های ۲۳ گانه نگرش به فساد اداری به‌مثابه متغیر وابسته برابر با ۰/۷۲۹ و برای متغیرهای مستقل برابر با ۰/۷۶۹ است که از کفایت نمونه حکایت می‌کند. مقدار بارتلت در سطح صفر معنی‌دار است که نشان می‌دهد تفکیک عامل‌ها براساس بارهای عاملی به‌درستی اجرا شده و بین عامل‌ها هم‌پوشانی وجود ندارد.

جدول ۳. مقدار کلامی^۱ و آزمون بارتلت

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	
۰/۷۲۹	۰/۷۶۹	مقدار کایزمایر-اولکین (کلامی)
۶/۶۸۸	۳۳۵/۳۱۶	بارتلت
۱۳۶	۱۵	درجه آزادی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری

^۱ kmo

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها: نگرش به فساد اداری به منزله متغیر وابسته در این تحقیق قلمداد می‌شود که براساس دیدگاه نظری نگرش نظامی بادوام است که شامل عنصر شناختی، احساسی و تمایل به عمل است. مؤلفه عاطفی شامل هیجان‌ها و عاطفه فرد به موضوع خصوصاً ارزیابی‌های مثبت و منفی است. مؤلفه رفتاری چگونگی تمایل به عمل فرد در باب موضوع است. مؤلفه شناختی نیز شامل افکاری است که فرد در باب آن موضوع خاص دارد، شامل دانش و اطلاعات و حقایق (تیلور، پیفتو و سیرز، ۲۰۰۳) و فساد اداری را نیز هر نوع استفاده نادرست از منابع عمومی و دولتی جهت کسب منافع شخصی و فردی دانسته‌اند (مباکثو، ۲۰۰۸: ۴۲۷). در بخش عملیاتی، ابتدا فساد اداری از ترکیب شش بعد "اختلاس" (برداشت یا سوءاستفاده از منابع دولتی از جانب اشخاصی که مدیریت این منابع به آنها سپرده شده است)، "تقلب اداری" (تقلب، دست‌کاری یا ایجاد اختلال در اطلاعات، حقایق و امور کارشناسی از سوی افرادی که از اختیارات دولتی برخوردارند و در پی کسب منافع خصوصی هستند)، "رشوه" (پرداخت پاداش به شکل مالی و غیرمالی به مأموران دولت جهت انجام یا خودداری از انجام کاری معین)، "پارتی‌بازی" (استفاده از قدرت شغلی جهت رساندن منفعت به دیگران عام)، "سوءاستفاده از موقعیت شغلی" (فرایندی که در آن بعضی صاحب‌منصبان به‌طور سازمان‌یافته از سمت خود برای تعمیم، تضمین و گسترش منافع شخصی استفاده می‌کنند) و "تبارگرایی" (استفاده از قدرت شغلی جهت رساندن منفعت به دیگران خاص مثل خانواده و شبکه خویشاوندی و دوستان) تشکیل شد. در گام بعدی با توجه به دیدگاه نظری در تعریف نگرش، سه بعد اصلی تشکیل‌دهنده مفهوم نگرش (شناختی، عاطفی، تمایل به رفتار) با توجه به شاخص‌های تشکیل‌دهنده فساد اداری آزموده شد؛ بدین‌صورت که در ابتدا با توجه به سؤالات باز و اکتشافی اطلاعات و دانسته‌های علمی و دقیق پاسخگویان در باب شش بعد فساد اداری در قالب سه سطح اطلاعات بالا، متوسط و پایین بررسی شد تا بعد شناختی مفهوم نگرش به مصادیق فساد اداری مشخص شود. در گام بعدی احساسات پاسخگویان در سه بعد مثبت (دوست‌داشتن)، خنثی (بی‌طرف) و منفی (تنفر و انزجار) در قالب انجام شش بعد فساد اداری از سوی کارمندان دولت بررسی شد و در نهایت نیز عنصر نگرش فساد اداری از طریق این سؤال سنجیده شد که در صورت به‌وجود آمدن بستر لازم (صاحب‌سمت و شغل اداری شدن) برای انجام هر یک از ابعاد فساد اداری واکنش دانشجویان به‌مثابه گردانندگان بالقوه نظام‌های اداری چه خواهد بود. پاسخ‌ها به این شرح بوده‌اند: مطمئنم که هرگز آن عمل را انجام نمی‌دهم، تردید دارم که آن را انجام ندهم، مطمئنم که در صورت به‌وجود آمدن زمینه آن را انجام خواهم داد. تعریف عملیاتی و نظری متغیرهای مستقل تحقیق نیز به این شرح است:

انسجام اجتماعی: میزان همبستگی فرد با افراد جامعه. این متغیر در قالب طیف لیکرت از طریق چهار شاخص سنجیده شد: شرکت در مراسم اجتماعی، ترجیح خیر عمومی بر منفعت شخصی، تعداد دوستان و آشنایان صمیمی فرد، میزان معاشرت با آنها.

تعهد اجتماعی: میزان تعهد فرد به نظام و ارزش‌های اجتماعی پیرامون خود. این متغیر در قالب طیف لیکرت از طریق پنج شاخص سنجیده شد: میزان تعهد فرد به نظام اجتماعی، میزان تعهد فرد به شرکت در گردهمایی‌های اجتماعی، میزان وفاداری پاسخگو به کشور، میزان تعهد فرد به منافع عمومی، میزان مسئولیت‌پذیری پاسخگو در قبال دیگران.

احساس تعلق اجتماعی: احساس تعلق فرد به محیطی که در آن زندگی می‌کند و میزان تعلقات او به محیط اجتماعی خویش. این متغیر در قالب طیف لیکرت از طریق چهار شاخص سنجیده شد: تلاش و احساس وظیفه در مقابل حل مشکلات مردم، احساس تعلق به آب و خاک، احساس تعلق به کشور، دلبستگی عاطفی به کشور.

فقدان تناسب بین اهداف و وسائل: وضعیتی که در آن افراد برای کسب اهداف مطلوب اجتماعی از وسائل نامطلوب اجتماعی استفاده می‌کنند. این متغیر در قالب طیف لیکرت از طریق سه شاخص سنجیده شد: وضعیت اجتماعی و اقتصادی، اهداف و آرزوهای فرد، اعتقاد فرد به راه‌های نامشروع برای رسیدن به اهداف.

ناکامی منزلتی: احساس محرومیت و سرخوردگی در مقایسه با افرادی بالاتر از خود. این متغیر در قالب طیف لیکرت از طریق دو شاخص سنجیده شد: فرد چه تصویری از جایگاه طبقاتی خود دارد و در زمان مقایسه خود با طبقات بالاتر چه احساسی دارد.

پایبندی به ارزش‌های دینی: میزان اعتقاد و پایبندی فرد به فرایض و شرکت در مراسم مذهبی. این متغیر در قالب طیف لیکرت از طریق شش سؤال سنجیده شد: میزان شرکت در مراسم مذهبی، میزان به‌جا آوردن نماز، میزان پایبندی به روزه‌گرفتن، میزان پرهیزکاری از دروغ، میزان توجه به واجبات و پرهیز از محرمات، میزان تشویق دیگران به امر معروف. **خودپنداره:** مجموعه تصورات فرد از خود. این متغیر نیز در قالب طیف لیکرت از طریق دو شاخص سنجیده شد: تصورات فرد از خود از نظر ویژگی‌های ظاهری و توانایی‌های اجتماعی.

یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج حاصل از بررسی مجموع ۴۰۶ نفر نمونه تحت بررسی در باب توصیف متغیر وابسته نگرش به فساد اداری، بعد از ترکیب سه بعد شناختی، عاطفی و تمایل به رفتار، مفهوم "نگرش" به شش شاخص "فساد اداری" (اختلاس، تقلب اداری، رشوه، پارتی‌بازی، سوءاستفاده از موقعیت شغلی، تبارگرایی)، در نهایت شاخص نگرش به فساد اداری از ترکیب ۲۳ سؤال اصلی شکل گرفت. در حالت جزئی وضعیت پاسخگویان در قبال سه بعد مفهوم

"نگرش" به شش شاخص "فساد اداری" بدین شرح است: درباب بعد "شناختی" نگرش به فساد اداری، آگاهی دقیق و علمی ۵۰/۲۴ درصد (۲۰۴ نفر) از شاخص‌های تشکیل‌دهنده فساد اداری درحالت پایین گزارش شده است، ۲۶/۱۱ درصد (۱۰۶ نفر) اطلاعات بالا و پذیرفتنی از شاخص‌های فساد اداری داشته‌اند و ۲۳/۶۵ درصد (۹۶ نفر) نیز سطح اطلاعاتی متوسط داشته‌اند. درباره بعد "عاطفی-احساسی" نگرش به فساد اداری ۶۳/۰۵ درصد (۲۵۶ نفر) به انجام شاخص‌های فساد اداری ازسوی کارمندان دولت احساس منفی دارند، ۲۴/۶۳ (۱۰۰ نفر) موضع خنثی و بی‌طرفی اتخاذ کرده‌اند و ۱۲/۳۲ درصد (۵۰ نفر) نیز احساس مثبتی به انجام شاخص‌های فساد اداری ازسوی کارمندان دولت گزارش داده‌اند؛ نهایتاً نیز پیرامون بعد تمایل به رفتار، ۴۱/۸۷ درصد (۱۷۰ نفر) کاملاً مطمئن هستند که درصورت به‌وجودآمدن زمینه شغلی در آینده، مصادیق فساد اداری را به‌هیچ‌وجه انجام نخواهند داد، ۴۱/۸۷ درصد (۱۷۰ نفر) مرددند که آیا در آینده دچار فساد اداری خواهند شد یا خیر، و نهایتاً نیز ۱۶/۲۶ درصد (۶۶ نفر) معتقدند درصورت شکل‌گیری بستر لازم شاخص‌های فساد اداری را انجام می‌دهند و مرتکب فساد اداری می‌شوند.

در ادامه، بعد از جمع‌آوری داده‌ها و کدگذاری مجدد، شاخص نگرش به فساد اداری به سه بعد نگرش مثبت (گرایش به فساد اداری)، خنثی (مردد درباره انجام عمل) و منفی (تنفر و انزجار از فساد اداری) تقسیم شد. نتایج توصیفی درحالت کلی از این موضوع حکایت کرد که بیشترین فراوانی داده‌ها در بخش نگرش بی‌طرف متمرکز است: ۵۱/۹۷ درصد (۲۱۱ نفر) که نشان‌دهنده این است که پاسخگو حالتی بینابین و خنثی به‌لحاظ بار مثبت یا منفی اتخاذ کرده و به بیانی بهتر، موضع اتخاذی در این حالت ازسوی پاسخگو قطعی و مطمئن نیست و هرآینه در زمینه خاصی این احتمال وجود دارد که به مثبت یا منفی میل داشته باشد.

در قسمت دوم نیز ۳۳ درصد از کل پاسخگویان (۱۳۴ نفر) به فساد اداری نگرش منفی دارند. به عبارتی دیگر، از کل ۴۰۶ پاسخگوی ما فقط ۳۳ درصد موضعی کاملاً منفی و خصمانه درقبال این پدیده اتخاذ کرده‌اند و نهایتاً نیز ۱۵/۲ درصد (۶۱ نفر) به فساد اداری نگرش مثبت دارند. به بیانی بهتر، موضع آنها گویای این واقعیت است که نه‌تنها درقبال این پدیده جهت‌گیری منفی ندارند، بلکه برعکس، نگرش آنها به فساد اداری مثبت و مطلوب پنداشته شده است. بنابراین، تا بدین‌جا با توجه به نظریه‌های تبیین‌کننده نگرش به فساد اداری این نکته به تأیید رسید که نگرش دانشجویان تحت تأثیر عوامل مختلف درحالت خنثی قرار گرفته است. بنابراین بالقوه احتمال وقوع تخلف سازمانی بعد از کسب موقعیت اداری از سوی آنها وجود دارد. اگر نگرش دانشجویان با فراوانی بالا درقبال مؤلفه‌های

نشان‌دهنده گرایش به فساد اداری منفی بود، می‌توانستیم ادعا کنیم که احتمال وقوع رفتارهای مفسدانه این جامعه آماری در آینده کم است.

در باره متغیرهای مستقل اصلی تحقیق نیز همبستگی اجتماعی پاسخگویان در حالت کلی با ۴۹/۵۱ درصد (۲۰۱ نفر) بیشتر در سطح متوسط قرار می‌گیرد و بعد از آن نیز رتبه پایین با ۲۸/۸۲ درصد (۱۱۷ نفر) است و نهایتاً نیز سطح همبستگی اجتماعی بالا در نمودار کمترین میزان را با ۲۱/۶۷ درصد از کل نمونه (۸۸ نفر) به خود اختصاص داده است. تعلق اجتماعی پاسخگویان به‌طور کلی در حد متوسط است؛ به‌طوری‌که ۴۴/۵۸ درصد (۱۸۱ نفر) در این مورد نمره متوسط کسب کرده‌اند و ۴۰/۸۹ درصد (۱۶۶ نفر) وضعیت تعلق اجتماعی خوبی دارند و فقط ۱۴/۵۳ درصد (۵۹ نفر) تعلق اجتماعی پایین دارند. تعهد اجتماعی پاسخگویان نیز به‌طور کلی در حد متوسط است، به‌طوری‌که ۵۵/۹۱ درصد (۲۲۷ نفر) در این مورد نمره متوسط کسب کرده‌اند و ۲۰/۹۴ درصد (۸۵ نفر) وضعیت تعهد اجتماعی بالایی دارند و ۲۳/۱۵ درصد (۹۴ نفر) وضعیت تعهد اجتماعی آنها پایین محاسبه شده است. سطح فقدان تناسب بین هدف و وسیله در پاسخگویان بالاست؛ به‌طوری‌که ۵۵/۱۷ درصد (۲۲۴ نفر) در نمودار نمره بالایی گرفته‌اند و بعد از آن بیشترین نمره کسب‌شده مربوط به سطح متوسط با ۳۸/۱۸ درصد (۱۵۵ نفر) است و نهایتاً فقط ۶/۶۵ درصد (۲۷ نفر) در نمودار در سطح پایین قرار می‌گیرند. شاخص ناکامی منزلتی در پاسخگویان نیز در حد متوسط است؛ به‌طوری‌که ۶۲/۵۶ درصد (۲۵۴ نفر) در نمودار نمره بالایی اخذ کرده‌اند و بعد از آن بیشترین نمره کسب‌شده مربوط به سطح زیاد با ۲۵/۸۶ درصد (۱۰۵ نفر) است و نهایتاً فقط ۱۱/۵۸ درصد (۴۷ نفر) در نمودار در سطح پایین قرار می‌گیرند. سطح خودپنداره پاسخگویان در حد بالایی است؛ به‌طوری‌که ۴۶/۵۵ درصد (۱۸۹ نفر) در نمودار نمره بالایی اخذ کرده‌اند و بعد از آن بیشترین نمره کسب‌شده مربوط به سطح متوسط با ۴۶/۰۶ درصد (۱۸۷ نفر) است و نهایتاً فقط ۷/۳۹ درصد (۳۰ نفر) در نمودار در سطح پایین قرار می‌گیرند. سرانجام سطح پایبندی دینی پاسخگویان در حد بالایی است؛ به‌طوری‌که ۴۷/۷۸ درصد (۱۹۴ نفر) در نمودار نمره بالایی اخذ کرده‌اند و بعد از آن بیشترین نمره کسب‌شده مربوط به سطح متوسط با ۳۷/۱۹ درصد (۱۵۱ نفر) است و ۱۵/۰۲ درصد (۶۱ نفر) در نمودار در سطح پایین قرار می‌گیرند.

آزمون فرضیه‌ها

همان‌طور که جدول ۴ نیز نشان می‌دهد، براساس نتایج به‌دست‌آمده بین متغیرهای مستقل، انسجام اجتماعی، تعهد اجتماعی، تعلق اجتماعی، فقدان تناسب بین هدف و وسیله، ناکامی منزلتی، خودپنداره و پایبندی به ارزش‌های دینی رابطه‌ای معکوس و نسبتاً قوی برقرار

است، با این توضیح که با افزایش متغیرهای مستقل اجتماعی تحقیق، شاخص نگرش به فساد اداری میل به منفی شدن (انزجار و تنفر از فساد اداری) دارد و با کاهش هریک از متغیرهای مستقل اجتماعی تحقیق، شاخص نگرش به فساد اداری میل به مثبت شدن (گرایش به فساد اداری) پیدا می‌کند. ازسوی دیگر نیز سطح معناداری به‌دست‌آمده (کمتر از ۵ درصد) نشان می‌دهد رابطه به‌دست‌آمده از لحاظ آماری نیز معنادار است و صرفاً بین متغیر مستقل ناکامی منزلتی با نگرش به فساد اداری رابطه‌ای مستقیم و از لحاظ آماری معنادار برقرار است، با این توضیح که هرچقدر پاسخگویان بیشتر احساس ناکامی منزلتی کنند، شاخص نگرش به فساد اداری میل به مثبت شدن دارد و برعکس.

جدول ۴. خلاصه همبستگی بین متغیر وابسته با متغیرهای مستقل تحقیق

متغیر وابسته	متغیر مستقل	نوع آزمون	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
نگرش به فساد اداری	انجام اجتماعی	پیرسون	- ۰/۴۷۱	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
	تعهد اجتماعی	پیرسون	- ۰/۳۹۳	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
	تعلق اجتماعی	پیرسون	- ۰/۵۴۱	۰/۰۰۲	تأیید فرضیه
	عدم تناسب بین هدف و وسیله	پیرسون	- ۰/۳۴۴	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
	ناکامی منزلتی	پیرسون	- ۰/۳۴۴	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه
	خودپنداره	پیرسون	- ۰/۱۲۱	۰/۰۱۵	تأیید فرضیه
	پایبندی به ارزش‌های دینی	پیرسون	- ۰/۳۹۹	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

تحلیل رگرسیون

در ادامه و با استفاده از تحلیل رگرسیون چندمتغیره جهت سنجش تأثیر جمعی همه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (نگرش به فساد اداری) از رگرسیون گام‌به‌گام^۱ استفاده شد. با توجه به داده‌های جدول، هفت متغیر هم‌زمان بر نگرش پاسخگویان به فساد اداری تأثیر می‌گذارند. ضریب همبستگی چندگانه نگرش به فساد اداری با متغیرهای مستقل به‌طور هم‌زمان ۷۴ درصد، ضریب تعیین ۵۵ درصد و ضریب تعیین اصلاح‌شده ۵۴ درصد است. درواقع به‌وسیله متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند، ۵۴ درصد واریانس متغیر وابسته تبیین شده است. بنابراین با توجه به نتایج می‌توان دریافت که ۵۰ درصد از تغییرات حاصل در متغیر وابسته نگرش به فساد اداری را متغیرهای به‌دست‌آمده تفسیر می‌کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ Stepwise

جدول ۵. بررسی تأثیر ضرایب استاندارد متغیرهای مستقل و نگرش به فساد اداری

عنوان متغیر	بی	ضریب بتا	تی	سطح معناداری
عدم تناسب هدف و وسیله	-۰/۷۵۶	-۰/۳۱۴	-۰/۴۱۶	۰/۰۰۰
تعلق اجتماعی	-۰/۲۷۸	-۰/۱۶۱	-۴/۰۹۱	۰/۰۰۰
تعهد اجتماعی	-۰/۴۳۲	-۰/۲۱۶	-۵/۶۹۹	۰/۰۰۰
ناکامی منزلتی	۰/۳۱۲	۰/۱۱۳	۳/۱۵۶	۰/۰۰۲
انسجام اجتماعی	-۰/۱۶۴	-۰/۱۱۲	-۲/۹۷۳	۰/۰۰۳

$\alpha = ۰/۷۴$
 ضریب تعیین = $۰/۵۵$
 ضریب تعیین اصلاح شده = $۰/۵۴$
 خطای انحراف از استاندارد = $۵۵/۵۰۳۱۸$

بنابراین، با توجه به ضریب‌های رگرسیون استاندارد نشده در جدول ۵ می‌توان معادله کلی خط رگرسیون را چنین ترسیم کرد:

نگرش به فساد اداری = عدم تناسب بین هدف و وسیله (-۰/۷۵۶) + تعلق اجتماعی - (۰/۲۷۸) + تعهد اجتماعی (-۰/۴۳۲) + ناکامی منزلتی (۰/۳۱۲) + همبستگی اجتماعی (-۰/۱۶۴).

بحث و نتیجه‌گیری

در حالت کلی، هدف این پژوهش سنجش گرایش دانشجویان - به مثابه نیروهای بالقوه جهت تغذیه مشاغل اداری و سازمانی - به مسئله فساد اداری بود. در این زمینه جامعه آماری دانشجویان بعد از فراغت از تحصیل را می‌توان یگانه منبع تغذیه پست‌های سازمانی به شمار آورد، زیرا این قشر بعد از پشت سر گذاشتن مدارج علمی و کسب تخصص لازم آماده ایفای نقش در موقعیت‌های مختلف اداری خواهند بود. مبانی نظری مدعی‌اند که هر چقدر شاخص گرایش به فساد اداری میل به منفی شدن داشته باشد، کمتر احتمال دارد که در آینده نیز پاسخگویان در صورت به وجود آمدن زمینه لازم مرتکب فساد اداری شوند و در حالت عکس قضیه نیز با مثبت شدن این شاخص تمایل به این عمل از سوی پاسخگویان در آینده با احتمال بیشتری همراه خواهد بود و پاسخگویان گرایش بیشتری دارند تا در صورت شکل‌گیری بستر لازم، شاخص‌های نشان‌دهنده فساد اداری را بروز دهند.

بعد از گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل، نتایج حاکی از آن بود که نگرش دانشجویان به فساد اداری در حالت کلی بی‌طرف است و تنها ۳۳ درصد از کل پاسخگویان به این پدیده نگرش منفی دارند (۱۳۴ نفر) که این خود می‌تواند زنگ خطری برای مسئولان اجرایی کشور در نظر گرفته شود؛ با این توضیح که در یک نمونه ۴۰۶ نفری از قشری که قابلیت کسب مشاغل اداری را دارند فقط به ۱۳۴ نفر (۳۳ درصد) می‌توان امیدوار بود که در آینده مرتکب فساد اداری نشوند. در واقع حتی اگر پاسخگویانی را که نگرشی بی‌طرف اتخاذ

کرده‌اند کنار بگذاریم، همچنان ۱۵/۲ درصد (۶۱ نفر) از پاسخگویان به فساد اداری نگرش مثبت دارند (گرایش به انجام این عمل). انجام اعمال نامشروعی که هنوز زمینه‌اش فراهم نیست، خود دربردارنده هزینه‌های بالایی برای مسئولان اجرایی نظام اجتماعی است. ازسوی دیگر، وضعیت پاسخگویان از لحاظ متغیرهای اجتماعی نیز مطلوب نبود و پاسخگویان درقبال غالب متغیرهای مستقل تحقیق موضعی بینابین اتخاذ کرده بودند که حاکی از وضعیت نه‌چندان مطلوب اجتماعی است؛ به طوری که درباب متغیرهای تعلق اجتماعی، تعهد اجتماعی، همبستگی اجتماعی و پایبندی به ارزش‌های مذهبی پیش‌بینی می‌شد که پاسخگویان موضعی قطعی‌تر و برتر اتخاذ کنند. احساس ناکامی منزلتی و دراختیارنداشتن امکانات لازم جهت رسیدن به اهداف اجتماعی مقبول جامعه نیز از فزونی میل به تخطی دربین پاسخگویان خبر می‌دهد. نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق نیز حاکی از آن است که بین متغیرهای مستقل، همبستگی اجتماعی، تعهد اجتماعی، تعلق اجتماعی، عدم تناسب بین هدف و وسیله، پایبندی به ارزش‌های مذهبی و خودپنداره با نگرش به فساد اداری رابطه‌ای معکوس و نسبتاً قوی برقرار است؛ یعنی هرچه قدر متغیرهای مستقل اجتماعی افزایش پیدا کند شاخص نگرش به فساد اداری میل به فزونی و مثبت شدن دارد و با کاهش متغیرهای مستقل اجتماعی نیز شاخص نگرش به فساد اداری گرایش به منفی شدن خواهد داشت. ازاین‌رو، درمجموع می‌توان گفت وضعیت نامطلوب پاسخگویان از لحاظ نگرش به شاخص‌های فساد اداری و وضعیت نه‌چندان جالب توجه شاخص‌های مهم اجتماعی از یک‌سو و معنادار شدن تمام شاخص‌های اجتماعی تحقیق به‌مثابه متغیرهای اصلی مستقل با متغیر وابسته نگرش به فساد اداری ازسوی دیگر، مبین این نکته است که این موضوع نیازمند اجرای راهکارهای مختلف جهت برون‌رفت از این وضعیت است که در ادامه به برخی از این راهکارها از منظر جامعه‌شناختی اشاره می‌کنیم.

پیشنهادها

معناداری رابطه بین نگرش به فساد اداری و عوامل جامعه‌شناختی گویای این موضوع است که هرچه قدر بستر اجتماعی بهتر بتواند کنشگران را در خود هضم کند و به پیکره نظام اجتماعی پیوند بزند، همبستگی اجتماعی و احساس تعلق و تعهد به دیگران افزایش پیدا می‌کند که نتیجه آن تقدم خیر جمعی بر منفعت شخصی است و در چنین زمینه‌ای احتمال انجام اعمالی خارج از چارچوب عرف جامعه ازسوی کنشگران پایین می‌آید. پایین بودن سطح آگاهی و اطلاعات دقیق پاسخگویان از چیستی شاخص‌های فساد اداری ایجاب می‌کند که برای آگاه‌سازی کنشگران از مصادیق و نمونه‌های فساد اداری و اطلاع‌رسانی کامل و به دور از سانسور پیامدها و آسیب‌هایی که جامعه درقبال انجام آنها

متحمل می‌شود بکوشیم. در این زمینه نظام آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی باید در شفاف‌سازی مسئله برای کنشگران فعال‌تر عمل کنند.

بالا بودن میانگین نگرش مثبت به فساد اداری در بین آقایان و متأهلان خود گویای این مطلب است که مردان به دلیل زمامداری خانواده به کمک اقتصادی بیشتری نسبت به زنان و مجردان نیاز دارند که لازم است حرکت دولت در دادن تسهیلات به کارمندان مرد و متأهل پررنگ‌تر از زنان و مجردان باشد.

تعلق و تعهد کنشگران به فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی در سطح ملی موجب افزایش وفاداری آنها به اجتماع ملی می‌شود و زمینه منفی‌شدن نگرش به فساد اداری را فراهم می‌آورد؛ چراکه در این صورت حفظ مرزهای گروه و منافع گروهی حائز اهمیت و اولویت می‌شود. بنابراین، هرچقدر تعلقات فرد به هویت جمعی در سطح ملی افزایش یابد، تمایل به فساد اداری نزد کنشگران کاهش می‌یابد.

باید دانست که تفکیک درست و صحیح منافع عمومی و ملی از منافع شخصی و فردی و توجه هرچه بیشتر به باروری حس احترام به منافع عمومی و جمعی ضرورت دارد که در این زمینه نیز نظام خانواده، آموزش و پرورش، و رسانه‌های جمعی موظفانند در نهادینه کردن فرهنگ رجحان منفعت عمومی بر منافع شخصی در حوزه‌های مختلف بیشتر بکوشند.

تقویت کنترل بیرونی و دوری از هرگونه مسامحه از سوی مسئولان جامعه در برخورد با قانون‌شکنان و افشای نام آنان هزینه انجام این عمل را نسبت به سود آن افزایش می‌دهد و کنشگر خطر انجام آن را نمی‌پذیرد.

تقویت شادکامی ملی جهت تقویت خودپنداره و مبارزه با نگرش مثبت به فساد اداری راهکار دیگری است که در این زمینه توصیه می‌کنیم.

تقویت ارزش‌ها و هنجارهای معنوی و اخلاقی حاکم بر جامعه و برنامه‌ریزی برای نهادینه کردن این اصول اخلاقی در نهاد کنشگران جهت تقویت کنترل درونی در افراد پیشنهاد دیگر محققان است.

منابع

آرون، ریمون (۱۳۸۳) *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، جلد دوم، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی تهران.

آلپورت، گوردن دبلیو و ادوارد ای جونز (۱۳۷۱). *روان‌شناسی اجتماعی از آغاز تاکنون*، ترجمه محمدنقی منشی طوسی، مشهد: آستان قدس رضوی.

بهنر، ج و م. وانگ (۱۳۸۴) *نگرش‌ها و تغییر آنها*، ترجمه علی مهداد، تهران: جنگل.

توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۲) *مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک*، تهران: دانشگاه تهران.
رهنمود، فرح‌اله، حبیب‌اله طاهری‌پور کلاتری و اعظم رشیدی (۱۳۸۸) «شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه‌های اجرایی»، *فصلنامه مدیریت اجرایی*، سال دهم، شماره ۳۸: ۳۵-۵۲.

ربیعی، علی (۱۳۸۳) *زنده‌یاد فساد*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
ربیعی، علی و هاجر آصف (۱۳۹۱) «نقش فرهنگ سازمانی در پیشگیری از بروز فساد اداری»، *فصلنامه مدیریت دولتی*، سال چهارم، شماره ۱۰: ۴۵-۵۸.
زاهدی، شمس‌السادات، محمدنبی سینا و مهدی شهبازی‌زاده (۱۳۸۸) «بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فساد اداری (مطالعه موردی در شهرداری تهران)»، *فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی*، دوره هفتم، شماره ۲۰: ۲۹-۵۵.

سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۰) *جامعه‌شناسی کج‌روی*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
ستوده، هدایت‌اله (۱۳۸۲) *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.
ستوده، هدایت‌اله (۱۳۷۶) *درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.
شیخاوندی، داور (۱۳۷۹) *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی*، چاپ چهارم، مشهد: مرن‌دیر.
صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۸۶) *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*، تهران: سمت.

حقیقتیان، منصور، سمیه کریمی‌زاده و جواد نظری (۱۳۹۱) «بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر فساد اداری (مطالعه موردی سازمان‌های اداری شهر یزد)»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره بیست‌وسوم، شماره ۴: ۱۲۵-۱۴۲.

عباس‌زادگان، محمد (۱۳۸۳) *فساد اداری*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
عظیمی، حسین، علی عطا‌فر و علی شائمی برزکی (۱۳۸۹) «بررسی عوامل مدیریتی و سازمانی مؤثر بر فساد اداری-مالی در سازمان‌های دولتی مراکز استان‌های اصفهان و زنجان»، *مجله اندیشه مدیریت راهبردی*، دوره چهارم، شماره ۲: ۱۲۹-۱۴۷.
فرح‌پور، مجید (۱۳۸۳) *موانع توسعه: بررسی فقر، تبعیض و فساد*، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

مرادی، گل‌مراد و بهمن سعیدی‌پور (۱۳۸۹) «بررسی نقش محرومیت نسبی در ایجاد رفتار جمعی جوانان شهر کرمانشاه براساس نظریه تعامل‌گرایی بلومر»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال هفتم، شماره ۲: ۱۶۳-۱۹۱.
ممتاز، فریده (۱۳۸۵) *انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

مقدس، علی‌اصغر و علیرضا اسلام (۱۳۸۵) «کاوشی در نظریه انتخاب عقلانی با تأکید بر آرای مایکل هکتر»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال سوم، شماره ۱: ۱۷۵-۲۱۱.

- Aleman, U. (2008) “*Political Corruption in Europe: Causes, Consequences, and Challenges*”, Retrieved from Chandra: Siddharth and Angela Williams Foster.
- Chandra, Siddharth (2005) “The ‘Revolution of Rising Expectations’”, *Social Science History*, 299–332.
- Doob. C. B. (1988) “*Sociology: An Introduction*”, New York: Longman, 2nd Ed.
- Goel, R. K. and L. Korhonen (2009) “*Composition of Exports and Cross-Country Corruption*”, Retrieved from SSRN website.
- Hagan, John (1991) “The Poverty of a Classless Criminology”, *The American Society of Criminology*, 30: 1-19.
- Ichiro, I. and S. Taku (2012) “Economics Letters”, 114 (1): 54-60.
- Moreno, J. and H. Jennings (2005) “Statistics of Social Configurations”, *Sociometry*, 1: 342–374.
- Mbaku, J. M. (2008) “Corruption Clean ups in Africa: Lessons from Public Choice”, *Journal of Asia and African Studies*, 43: 427-456.
- Matsumoto, Midori (2005) *Government Education Expenditure: A Case Study of Four Southeast Asian Countries*, Kyoiku University.
- Rose-Ackerman, S. (1999) *Corruption and Government*, New York: Cambridge University Press.
- Sutherland, E. (1983) *White Collar Crime: The Uncut Version*, New Haven: Yale University Press.
- Sutherland, E. H. (1949) *White Collar Crime*, New York: Dryden Press.
- Sutherland, Edwin (1983) *White Collar Crime, The Uncut Version*, New Haven: Yale University Press.
- Scott James. C. (1972) *Comparative Political Corruption*, New Jersey: Prentice Hall, Inc.
- Taylor, Sh. E. Peplau, L.A, & Sears, D.O (2003) ” *Social Psychology*” New Jersey, Pearson Education, Upper Saddle River.